



بسم الله الرحمن الرحيم  
اللَّهُمَّ اعْنِي فِيهِ عَلِي صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ وَجَنَّتِي فِيهِ  
مِنْ هَوَاتِهِ وَأَنَا مَهْ وَأَرْزُقْنِي فِيهِ ذِكْرَكَ بَدْوَامِهِ  
بِتَوْفِيقِكَ يَا هَادِيَ الْمَضَلِّينَ.  
خدا یا! یاریم کن در این ماه بر روزه  
و شب‌زنده‌داری‌اش و دورم بدار در آن  
از لغزش‌ها و گناهان و روزیم کن در آن ذکر خود  
را به‌طور مداوم و یکسره به توفیق خود  
ای راهنمای گمراهان.

به عبارت دیگران

این چه شهر دار به که ما داریم!؟

باران خیلی تند می‌آمد. بهم گفت: من میرم بیرون. گفتم: توی این هوا کجا می‌خوای بری؟ جواب نداد. اصرار کردم. بالاخره گفت: می‌خوای بدونی؟ پاشو تو هم بیا. باران شدیدی راه افتادیم توی شهر. نزدیک‌های فرودگاه یک حلیه‌ی آبی بود. رفتم آنجا. توی کوچه پس‌کوچه‌هایش پر از آب و گل. آب از وسط کوچه صاف می‌رفت توی یکی از خانه‌ها. در خانه را که زد، پیرمردی آمد دم در. ما را که دید، شروع کرد به بدویبره گفتن به شهردار. می‌گفت: آخه این چه شهرداریه که ما داریم؟ نمیداد به سری بهمون بزنه، ببینیم چی می‌کشیم. اقامه‌ی بهش گفت: خلیه‌خوب پدرجان. اشکال نداره. شما به بیل به ما بده، در ستنش می‌کنیم. پیرمرد گفت: برید بابا شماهام! بیلیم کجا بود؟ از یکی از همسایه‌ها بیل گرفتیم. تا نزدیک‌های آنجا من توی کوچه، راه آب می‌کنیدیم.

طه فروتن / یادگاران، شهید مهدی باکری انتشارات روایت فتح - صفحه ۱۵

همراه با ابوطالب

رسم بازگازان قریش بر این بود که هر سال برای تجارت و بازرگانی، به مرکز بازرگانی آن زمان، یعنی شام، رهسپار می‌شدند. ابوطالب نیز تصمیم به انجام این سفر گرفت. این نخستین سفر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌به‌همراهی‌عمویش‌به‌شام‌تلفی‌می‌شد. در این سفر پیمبری‌راهب‌با‌پیامبر‌دیدار‌کرد‌و‌نشانه‌های‌آخرین‌پیامبری‌را‌که‌حضرت‌عیسی‌علیه‌السلام‌به‌ظهور‌وی‌نمود‌داده‌بود،‌در‌او‌مشاهده‌کرد،‌زیر‌وی‌به‌تورات‌و‌انجیل‌و‌دیگر‌منابعی‌که‌بر‌ظهور‌وجود‌مقدس‌پیامبر‌خاتم‌مزه‌داده‌بود،‌آشنایی‌کامل‌داشت. پیمبرا‌به‌عمو‌وی‌ابوطالب‌توصیه‌کرد‌آن‌حضرت‌را‌به‌مکه‌بازگرداند‌و‌برای‌مراقبت‌از‌وجود‌مبارک‌وی‌از‌سوء‌قصد‌یهودیان،‌احتیاط‌لازم‌را‌به‌کار‌برد.

سیدمندر حکیم / پیشواان هدایت عباس جلالی - مجمع جهانی اهل بیت (ع) جلد یک، صفحه ۷۸

شما چگونه مدیریت می‌کنید؟

راه دیگر محاسبه، توجه به این نکته است که من چگونه مدیریت کرده‌ام و با نعمت‌هایی که در لحظه از ملک تا ملکوت تا ملک در اختیار من بوده‌اند؛ روی به چه کسی آورده‌ام. این کارخانه معظم وجود من با این همه امکان چه تولید داشته و در برابر طلبها و مطالبه‌ها چه جوابی آورده است. مساله این نیست که من گناه نکرده‌ام، که ظلم نکرده‌ام، مساله این است که چه تولید کرده‌ام و چگونه مطالبات خودم را پرداخت‌م. در دنیایی که چشم و گوش و تمامی اندام من از من مطالبه می‌کنند، تمامی دوستان و همسایگان و بستگان من از من مطالبه می‌کنند، در دنیایی که به تعبیر امام امیرالمؤمنین حتی چهارپایان و سرزمین‌ها از من مطالبه می‌کنند که چرا به آنها نرسیده‌ام و آنها را در سطح باروری نیاورده‌ام، در این دنیا من چه جوابی دارم؟

سال‌های سال همسایه و یا دوست و یا برادر و پدر کسانی بودم، در این مدت در آنها چه تحولی ایجاد کرده‌ام؟ یک مدیریت خوب، مدیریتی است که آدم‌ها را به کار می‌گیرد و متحول می‌کند و از آنجا که هستند به آنجایی که باید باشند و می‌توانند باشند، منتقل می‌سازد. در حالی که من از فرزندم برای خودم یادویی ساخت‌م و از دوستم برای خودم اعتباری و از همسر برای خودم وسایلی و همه را به‌سوی خودم دعوت کرده‌ام و در خودم نگاه داشته‌ام و نگذاشته‌ام که به لیاقت‌های خود و توانایی‌های خود دست بیایند. حتی اگر لازم باشد از من جدا شوند و از من سفر کنند و از من فاصله بگیرند و حتی در برابر من بایستند.

علی صفایی حائری / درس‌هایی از انقلاب انتشارات لیل‌القدر - جلد ۳، صفحه ۱۸۵

کمترین ادب میهمانی!

حداقل ضروری که رعایت کردن ادب روزه دارد این است که معلوم می‌شود از اینکه روزه می‌گیری در زجر و عذاب نیستی و از اینکه در محضر خدا میمانی، نازاحت و دل‌آزرده نیستی. و اگر ادب این حضور را رعایت نکنی، معلوم می‌شود تو را زوری آورده‌اند و از جای خود نراضی هستی. طبیعی است در این صورت بهره لازم را از رمضان نمی‌بری و خدایی که ناز دارد، تو را نوازش نخواهد کرد.

علیرضا پناهیان / شهر خدا انتشارات بیان معنوی - صفحه ۹۰

حکمتی از یک نوجوان شهید

آنسان که به هزاران دلیل زندگی می‌کنند، نمی‌توانند به یک دلیل بمیرند و آنان که به یک دلیل زندگی می‌کنند، به همان یک دلیل نیز می‌میرند. نوجوان شهید حسین بیدخ

پیامبر اعظم (ص)

هر کس پیرمردی را به‌خاطر پیری او گرامی بخرد، خداوند داد. از سختی و هراس روز قیامت در امان قرار خواهد داد.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی  
مدیرعامل: زهرا شکیبایی  
سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹  
روابط عمومی: ۶۶۱۳۷۲۲ تلفن: ۶۶۱۳۷۲۲۸۲ شماره: ۶۶۱۳۷۲۲۷  
پيامرسان: @vatanemrooz پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir  
چاپ: موسسه جام‌چم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۲۰۰



نگاهی به فیلم جنایی «بیدار شو مرد مرده» که زیر لایه‌های فلسفی و روانشناختی محیط کلیسا را واکاوی می‌کند

# جدال با وسوسه نفس



«بیدار شو مرد مرده» (Wake Up Dead Man)

یک فیلم معمایی آمریکایی محصول ۲۰۲۵ به نویسندگی و کارگردانی ریان جانسون است که پیش از این به عنوان یکی از کارگردان‌های مجموعه «بریکنگ بد» از انجمن کارگردانان آمریکا جایزه «کارگردانی برجسته» را گرفته بود. جانسون که مسیر حرفه‌ای در سینما را سال ۲۰۰۵ با یک اثر جنایی آغاز کرد و در ادامه هم به جز کارگردانی «جنگ ستارگان: آخرین جدای» در سال ۲۰۱۷، تنها در همین ژانر جنایی به فعالیتش ادامه داده است، در سال ۲۰۱۹ فیلمی معمایی ساخت به نام «چاقو‌کشی» و سپس در ۲۰۲۲ فیلمی دیگر از او منتشر شد به نام «گلس آنین: یک چاقو‌کشی اسرارآمیز» که حالا «بیدار شو مرد مرده» با عبارت پسوند «معمای چاقو‌کشی»، دنباله‌ای غیرمستقیم بر همان اثر است. داستان درباره یک مرد سابقا پوکسور است که زندگی خشونت‌آمیز گذشته‌اش را پشت سر گذاشته و حالا کشیش یک کلیسای کوچک روستایی شده است. پس از یک درگیری غیرمنتظره با یکی از مقامات کلیسا به کلیسای دورافتاده‌ای در شمال نیویورک منتقل می‌شود تا دستیار مردی سختگیر و با گذشته‌ای پیچیده شود. این موقعیت جدید، آغازی بر یک سلسله ماجراهای جنایی تودرتو است. دنیل کریگ در این فیلم بار دیگر نقش کارآگاه بنوا بلانک را بازی می‌کند و جاش اوکانر، گلن کلوز، جاش برولین، میلا کونیس، جرمی رنر، کری واشینگتن، اندرو اسکات، کیلی اسپینی، دریل مک کورمک و توماس هیدن چرچ هم از دیگر بازیگران فیلم هستند. «بیدار شو مرد مرده» نخستین بار سپتامبر ۲۰۲۵ در جشنواره تورنتو به نمایش درآمد و سپس ۲۶ نوامبر در تعدادی از سینماهای منتخب اکران شد و نهایتاً ۱۲ دسامبر ۲۰۲۵ از طریق نتفلیکس منتشر شد. واکنش منتقدان به این فیلم بسیار گرم و پرشور بود، چنانکه در وبگاه جمع‌آوری نقد راتن تومیتوز، ۹۲ درصد از ۲۵۷ بررسی منتقدان مثبت است. این فیلم در متاکریتیک هم بر اساس نظر ۵۷ منتقد، امتیاز ۸۱ از ۱۰۰ را کسب کرد و به تحسین همگانی دست یافت. در ادامه ضمن اشاره به جنبه‌های فنی این فیلم که آن را در جایگاه یکی از بهترین‌های سینمای جنایی طی سال گذشته قرار می‌دهد، به برخی جنبه‌های روانشناختی و فلسفی فیلم و نقدها و کنایه‌های نهفته در زیرلایه‌اش به مسائل مربوط به رهبری کلیسا در غرب پرداخته شده است.

از مشت‌زنی تا تبلیغ مذهب

ریان جانسون، کارگردان و فیلمنامه‌نویس برجسته اهل ایالات متحده که پیش‌تر با آثار جنایی و معمایی‌اش به شهرت دست یافته بود، این‌بار با یک اثر برجسته که حول محور فلسفه، دین و عقاید انسان می‌گردد، به صحنه برگشت تا مخاطبانش را با پرسش‌های عمیق روبرو کند. جانسون، مخاطبش را از دنیای پرزرق‌وبرق کنونی به جهانی رازآلود و تاریک می‌برد، جایی که پنهان‌ترین رازهای انسانی در آن نهفته است و کلیسایی که قتل در آن اتفاق افتاده، تنها راز نهفته در ماجرا نیست.

دوربین فیلم‌به‌ما کلیسا، انسان‌های نیازمند و دارای مشکل، کشیش و رهبران مذهبی را نشان می‌دهد؛ انسان‌هایی با ظاهر مذهبی که رازهای تاریکی را درون خود پنهان کرده‌اند. همین ما را به یاد مرز باریک بین ایمان و گناه می‌کشاند؛ داستانی سرشار از کنایه‌های مذهبی و اجتماعی مسیحیت. در دنیای کنایه‌های مذهبی که در این اثر دیده می‌شود، پیچیدگی‌های روایی و معمایی کلاسیک جنایی نیز خود را نشان می‌دهد؛ اثری که با بازی حرفه‌ای «دنیل کریگ» در نقش کارآگاه، ما را به یاد پوآرو، شرلوک هولمز و خانم مارپل می‌اندازد. زیرکی و صداقت «دنیل کریگ» در نقش بنوا بلانک، مخاطب را با او همراه می‌سازد و نقش اصلی فیلم بر دوش «جاش اوکانر» است که نقش جاد، یک کشیش معصوم و حساس را بازی می‌کند. او در گذشته سابقه بازی‌های مشت‌زنی را داشته و با ضربه‌های حریف خود را کشته بود. از آن پس زندگی او دگرگون شده و به کلیسا پناه آورده بود. دیالوگ‌هایی در این فیلم هست که نمایانگر غریزه مبارزه‌طلب جاد است؛ غریزهای که هیچ‌گاه تغییر نخواهد کرد و حتی با وجود کشیش شدن او، خود را به هنگام عصیانیت نشان خواهد داد. تا اینکه جاد به یک منطقه جدید اعزام می‌شود تا زیر نظر راهبی بدخلق به نام موسینگتور

جفرسون ویکس با بازی «جاش برولین» خدمت کند. خیلی زود ویکس از کشیش تازه‌وارد می‌خواهد تا اعترافاتش را بشنود اما اعترافاتش که از دهان او بیرون می‌آید، تکان‌دهنده است و شخصیت مذهبی ویکس را زیر سؤال می‌برد. این موقعیت آبرونیک، مخاطب را با جاد همراه می‌کند که این چه کلیسایی است که قدم در آن نهاده است. ویکس که شخصیتی عجیب، بدخلق و هیجانی دارد، با اندیشه‌ها و سخنرانی‌های خشمگین و فراخوانی پارانش به گرفتن حق‌شنان در این دوران مدرن و اینکه کلیسا کمتر خواهان دارد، مشهود است. جاد که تماشاگر این فضای سرد و خصمانه است، به چشم می‌بیند مردمی که به کلیسا پناه می‌آورند نه تنها آرام نمی‌شوند، بلکه روزه‌روز حال‌شان بدتر می‌شود. آنها هر روز عصبانی‌تر و پرمشکل‌تر، دل به ایمانی واهی می‌بندند که ویکس آن را با روشی غلط ارائه می‌دهد. در دیالوگ‌هایی جاد به ویکس گوشزد می‌کند که روشش را دوست ندارد و خود مسیح مردم را با عشق دعوت می‌کرد و خود را خدمتگزار دنیا می‌دید، نه دشمن دنیا. دنیا برای مسیح جایی بود همراه با همدلی، عشق و خدمت کردن اما شیوه ویکس تماماً با جاه‌طلبی و دشمنی همراه است. این انتقادها کم‌کم ویکس را نسبت به جاد سرد می‌کند تا جایی که نفرت درون قلب جاد شکل می‌گیرد. سکانس عجیب و بحث‌برانگیز فیلم جایی است که ویکس به ناگاه به قتل می‌رسد و معما تازه شروع می‌شود. افراد کمی که طرفدار ویکس بودند، همگی به‌شدت ناراحت و جاد را مظنون اصلی پرونده می‌دانستند تا اینکه بازی بنوا بلانک شروع می‌شود و لحظات هیجان‌انگیز، سرگرم‌کننده و پرشور دار را به همراه می‌آورد؛ پرسش‌های جدی از جمله: ایمان واقعی چیست؟ آیا دین مسیحیت، دینی اصیل یا تحریف‌شده است؟ مرز بین ایمان و گناه چیست؟

نشانه فساد عمیق یکی از سکانس‌های بحث‌برانگیز فیلم جایی است که مخاطب متوجه می‌شود یکی از طرفداران ویکس، که زنی فلج است، تمام پس‌انداز خود را تقدیم ویکس کرده تا برای شفای او دعا کند. این در حالی است که در سکانس، ویکس اعتراف می‌کند از این همه انسان‌بازنده در اطرافش خسته شده و می‌خواهد با تمام ثروتش بازنشسته شود و باز پرسش‌های دیگر مطرح می‌شود: غایت دینداری یک راهبر مذهبی چگونه باید باشد؟ این شیوه سودجویی رهبران مسیحیت تا چه اندازه منطبق بر آموزه‌های مسیح است؟ آیا انسان‌های نیازمند مسیحی این‌گونه باید تمام ثروت خود را هدر بدهند؟ مخاطب با دیدن کارهای پنهانی ویکس (خوردن شراب در خفا، مال‌اندوزی، خشم و کینه‌اش) بیشتر و بیشتر به پاسخ این پرسش‌ها دست می‌یابد و این مهارت کارگردان را به‌خوبی نشان می‌دهد. فیلم نقدی بر اندیشه‌های خشک و مسیحیت کاتولیک است. در این میان، دوستی و همدلی جاد (کشیش) با بنوا بلانک (کارآگاه) نیز از نقاط قوت فیلم است که دوستی یک خداپاوار و یک خداناباور را به‌خوبی نشان می‌دهد. کشمکش‌های بین کاراکترها پس از قتل ویکس و برملا شدن نقشه پنهانی پشتش و کاراکترهایی که مرده بودند اما بعد زنده شدند، همه و همه به زیبایی به تصویر کشیده شده و فیلم پیوستگی فرمی خود را حفظ کرده است. فیلم در عین حال که کلیسا را در جامعه مدرن نشان می‌دهد، هرچه به پایان نزدیک می‌شود، لایه‌های عمیق‌تری را از خود بروز می‌دهد و همه‌چیز را دگرگون می‌سازد. غیرقابل‌پیش‌بینی بودن پایان فیلم و پیچیده بودن کاراکترها از دیگر نقاط قوت فیلم است. در فیلم سینمایی «بیدار شو مرد مرده»، میزانشن و نور نقش نیز قابل توجهی را ایفا کرده است. زمانی که نور

کاملاً محو شده و از بین می‌رود، تنها چیزی که باقی مانده، فضای تاریک و سرد است که با همراهی کاراکترها به‌خوبی تنظیم شده است و زمانی که نور خورشید، با تالو فراوان در چهره کاراکترها، متناسب با احساسات و هیجاناتی که تجربه می‌کنند، خود را بازتاب می‌دهد، نشان از هماهنگی ۲ عنصر فنی کارگردانی دارد. چه اینکه هنگام باز شدن درهای کلیسا و نمایان شدن صلیب مسیح، با پخش نور روی سطح چوبی آن، به زیبایی می‌درخشد.

نکته مهم دیگر فیلم، به میزان آمدن ثروت و واکنش و وسوسه شدن اشخاص با ایمان در مواجهه با آن است؛ ثروتی که حتی رهبر مذهبی (ویکس) را بازپچه دست خود می‌کند و ایمان تک‌تک اشخاص حاضر در فیلم را می‌سنجد و همگی تک‌تک وسوسه می‌شوند. همین نشان از خصلت‌های ذاتی انسان و پل میان ایمان و گناه است و این در بستری شکل می‌گیرد که به‌طور نمادین بار معنایی بالایی دارد. مکان‌ها، قاب‌بندی‌ها و نورپردازی‌ها همگی در خدمت القای حس تردید، گناه و قضاوت‌اند.

فیلمنامه تلاش می‌کند قتل را نه به‌عنوان یک معما، بلکه به‌مثابه نشانه‌ای از یک فساد عمیق‌تر ترسیم کند؛ فساد

که در روابط انسانی، در ساختار قدرت و حتی در باورهای اخلاقی ریشه دوانده است. در این مسیر، داستان بارها از مسیر کلاسیک ژانر فاصله می‌گیرد و به گفت‌وگوهای طولانی و موقعیت‌های ایستا پناه می‌برد؛ انتخابی که برای برخی مخاطبان می‌تواند خسته‌کننده باشد اما برای کسانی که به سینمای تأمل‌محور علاقه دارند، واجد ارزش است.

دعوت به چالش

بزرگ‌ترین نقطه‌قوت فیلم در شخصیت‌پردازی نهفته است. شخصیت‌ها صرفاً مظنون یا تپ‌های آشنا نیستند، بلکه هر کدام حامل نوعی بحران درونی‌اند. فیلم با حوصله به آنها نزدیک می‌شود و اجازه می‌دهد تناقض‌های‌شان آشکار شود. بازی‌ها عموماً کنترل شده و درونگرا هستند و از اغراق‌های معمول ژانر رهیزی می‌کنند. بازیگر نقش اصلی با حفظ فاصله‌ای سرد و تحلیلی، حضوری مسلط دارد و شخصیتش را نه به‌عنوان یک قهرمان، بلکه به‌عنوان ناظر خسته و آگاه از تاریکی

انسان به تصویر می‌کشد. در کنار او، برخی نقش‌های مکمل موفق می‌شوند بار احساسی روایت را بر دوش کشند، هرچند تعدد شخصیت‌ها باعث می‌شود همه آنها فرصت برابر برای درخشش نداشته باشند.

«بیدار شو مرد مرده» فیلمی است که تماشاگر را به چالش می‌کشد، نه لزوماً به قصد سرگرم کردن، بلکه برای آداشتن او به فکر کردن. این اثر بیش از آنکه درباره کشف حقیقت بیرونی باشد، درباره مواجهه با حقیقت درونی است؛ حقیقتی که اغلب ناخوشایند، مبهم و گریزان است. فیلم ممکن است همه را راضی نکند اما به‌عنوان تلاشی جدی برای عبور از قالب‌های رایج و نزدیک شدن به لایه‌های تاریک‌تر انسان، اثری قابل تأمل و بحث‌برانگیز به‌شمار می‌آید.

«بیدار شو مرد مرده» فیلمی است که در ظاهر با یک معمای قتل آغاز می‌شود اما خیلی زود روشن می‌کند که دغدغه‌اش صرفاً کشف قاتل نیست، بلکه واکاوی وضعیت اخلاقی انسان در جهانی است که حقیقت، ایمان و قدرت درهم تنیده شده‌اند. فیلم از همان دقایق نخست، مخاطب را وارد فضایی سنگین و سرد می‌کند؛ فضایی که مرگ در آن نه یک اتفاق شوکا‌آور، بلکه امری محتوم و حتی آشناست. این انتخاب لحن، جسورانه اما پرریسک است، زیرا فیلم آگاهانه از هیجان فوری فاصله می‌گیرد و ترجیح می‌دهد آرام، تدریجی و تأمل‌برانگیز پیش برود. با این حال، فیلم بی‌نقص نیست. ریتم کند و تأکید بیش از حد بر مفاهیم انتزاعی، در بخش‌هایی به ضرر درگیری عاطفی مخاطب تمام می‌شود. گاهی فیلم آنقدر درگیر طرح پرسش‌های فلسفی می‌شود که خود روایت را به حاشیه می‌راند. نتیجه این است که تعلیق، که باید ستون اصلی چنین داستانی باشد، در برخی لحظات فروکش می‌کند. همچنین پایان‌بندی، هرچند از نظر فکری قابل دفاع است، ممکن است برای مخاطبانی که انتظار یک جمع‌بندی قاطع و هیجان‌انگیز دارند، رضایت‌بخش نباشد.

به هر حال، بازی حرفه‌ای کاراکترها، غیرقابل‌پیش‌بینی بودن اثر، موضوع سرگرم‌کننده فیلم، ترکیب ژانرها و... همگی فیلم «بیدار شو مرد مرده» را به اثری دیدنی و به‌یادماندنی تبدیل می‌کنند؛ اثری که در پایان، مخاطب را با پرسش‌های بی‌شماری تنها می‌گذارد.

بدون وقفه کار کنید | بهنای باند اختصاصی رسپینا

021-92 00 00 00 | www.respina.net

ارتباط ارزش‌ها